

پس‌ونده

گرد آورنده: مهشید خزایی

ماریو بارگاس یوسا

چهره درخشان ادبیات آمریکای لاتین

مدتی بعد از به دنیا آمدن یوسا پدر و مادرش از هم جدا شدند و ماریو پیش مادرش ماند اما به علت سفرهای کاری خانواده مادری اش مدتی را در بولیوی زندگی کرد و بعد از چندی دوباره به پرو باز گشت و با خانواده اش در شهر پیورا، نزدیکی جنگل‌های آمازون ماندگار شد. زندگی در این شهر به شدت بر شخصیت ماریو نوجوان اثر گذاشت به شکلی که این شهر بعدها

یوسا در مجموع یک شخصیت فعال است و یک نویسنده پرکار، تاکنون نزدیک به بیست جلد کتاب از او منتشر شده که بخش عمده‌ای از آن‌ها رمان است، رمان‌هایی که تا امروز فقط ۲ جلد آن به فارسی ترجمه شده است. یوسا در سال ۱۹۳۶ در شهر آرکیپای پرو به دنیا آمد. خانواده او به خصوص خانواده مادری اش تقریباً جزو طبقه اشراف پرو بودند.

ماریو بارگاس یوسا فقط یک نویسنده نیست او شخصیتی چندوجهی دارد. مجموعه نقدهای ادبی او در پنج جلد کتاب منتشر شده و نقدها و مقالات زیادی درباره سینما و فیلم‌های مطرح نوشته است. او در عین حال یک علاقه‌مند به فعالیت‌های سیاسی است هرچند که در عرصه فعالیت‌های سیاسی نتوانست با کسب آرای کافی به موقعیت دلخواهش دست یابد.

مکان ماجراها و اتفاقات چندرمان او شد و خاطرات دوران نوجوانی او در این رمان‌ها تجلی کرد. چند سال بعد خانواده یوسا به لیما پایتخت پرو رفتند اما ماریو برای ادامه تحصیل به آکادمی علوم نظامی لئونسیو پرادو رفت. فضای این آکادمی نظامی و ضوابط حاکم بر آن تاثیر شگرفی بر روحیه ماریوی جوان گذاشت، درک رابطه قدرت در سلسله مراتب نظامی و اطاعت بی چون و چرای زیردستان از قدرت‌های مافوق، آموزش‌های دشوار نظامی و لزوم اجرای اوامر، نقشی را در ذهن ماریوی جوان حک کرد که در سال‌های بعد، اثر آن در بسیاری از نوشته‌هایش دیده شد و به ویژه در رمان «عصر قهرمان» به طور مشخص خود را نشان داد.

یوسا نتوانست بیش از دو سال در این آکادمی دوام بیاورد روحیه او با شرایط و آموزش‌های نظامی سازگار نبود و به همین دلیل لئونسیو را ترک کرد و برای ادامه تحصیل به دانشگاه سان مارکوس که یکی از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های پرو در آمریکای لاتین است رفت و بعد از اتمام دوره دانشگاه با استفاده از یک بورس به اسپانیا سفر کرد.

او که اولین مجموعه داستان خود را با عنوان «رهبران» در سال ۱۹۵۹ منتشر کرده بود. با انتشار نخستین رمان‌اش به نام «عصر قهرمان» به آن اندازه از شهرت دست یافت که مورد توجه محافل ادبی کشور خودش و آمریکای لاتین قرار بگیرد. یوسا «عصر قهرمان» را با الهام از دوران دو ساله زندگی‌اش در آکادمی نظامی لئونسیو نوشت. اما مضمون این کتاب عمیق‌تر از آن بود که در محدوده لئونسیو باقی بماند یوسا در این رمان کل جامعه پرو و شاید شرایط آمریکای لاتین را در دهه ۱۹۵۰ تصویر کرده بود.

او در این کتاب، این آکادمی را همچون نمونه‌ای از کل جامعه می‌گیرد، جامعه‌ای که برای حفظ وضع موجود خودش، حاضر است روی بسیاری حقایق سرپوش بگذارد و چیزهای با ارزش را فدا کند. می‌توان گفت که در این رمان، تمام آن مایه‌های عمده‌ای که بعدها در آثار بعدی یوسا بسط پیدا می‌کند، حضور دارد: نقد قدرت، مسئله خشونت و گذار از سنت به مدرنیته. این رمان وقتی منتشر می‌شود، بازتاب جالبی هم در خود پرو ایجاد می‌کند، در همان مدرسه لئونسیو پرادو، بسیاری از نسخه‌های این کتاب را می‌گیرند و آتش می‌زنند که خود این کار طبعاً باعث گرایش بیشتر خواننده‌ها به این کتاب می‌شود، البته به سبب نوآوری‌هایی که یوسا در این کتاب دارد، یعنی چه در زبان

روایت، چه در ساختن فضا و تکنیک‌هایی که به کار برده، این کتاب یکی از مهم‌ترین جوایز اسپانیا را هم می‌گیرد.

اثر بعدی یوسا با عنوان «خانه سبز» در سال ۱۹۶۶ منتشر می‌شود کتابی که خود او درباره‌اش گفته است:

«من سال‌ها این وسوسه را داشتم که درباره خانه سبز داستانی بنویسم. خانه سبز روسپی خانه‌ای در شهر لیپورا بود که ماجرای ایجاد آن و آن چه که در آن اتفاق افتاد مضمون بسیاری از افسانه‌ها و شایعات شده، این رمان نیز همانند سایر آثار یوسا علیه قدرت و قدرت‌مداران است. اصولاً یوسا با اعمال قدرت به شکل توتالیتریستی و بی چون و چرا مخالفت شدید داشت خواه این قدرت در یک دسته تبهکاری که جنگل‌های آمازون را مرکز فعالیت خود ساخته‌اند اعمال شود و خواه در روابط نظامیان و سیاستمداران با خود و با دیگران، به نظر یوسا در همه این شرایط اعمال قدرت در چهارچوب روابطی که تنها متکی بر خشونت است انجام می‌شود.

زندگی شخصی یوسا و آثار او

بارگاس یوسا در سال ۱۹۶۹ اثر بعدی‌اش را با نام گفتگو در کاتدرال منتشر کرد. با انتشار این رمان نام بارگاس یوسا با وجود جوانی او در کنار نویسندگان صاحب نام آمریکای لاتین، فوئنسس،

مارکز و کورتاسار قرار می‌گیرد. او در این جمع با حداقل ده سال فاصله سنی جوان‌ترین نویسنده صاحب نام است.

بارگاس یوسا، تقریباً در همه آثارش بخشی‌هایی از زندگی شخصی خود و خاطراتش را تصویر می‌کند و گفتگو در کاتدرال هم از این قاعده مستثنی نیست. در واقع رمان براساس تجربیات شخصی یوسا در آغاز ورود به جامعه‌ای شکل می‌گیرد که در دهه ۱۹۵۰ تحت سلطه دیکتاتوری ژنرال «اودریا» است اما ماجراهای کتاب به گونه‌ای بسط می‌یابند که از دوران دیکتاتوری «اودریا» فراتر می‌رود و شرایط حاکم بر آمریکای لاتین را تا دهه ۷۰ تصویر می‌کند.

کتاب بعدی یوسا «خاله خولیا و سناریو نویس» باز هم براساس برش‌هایی از خاطرات او نوشته شده و سرانجام رمان «جنگ آخر الزمان» یوساست که در سال ۱۹۸۱ منتشر می‌شود اثری بر محور تقابل سنت و مدرنیته در این زمان یوسا یک نویسنده جهانی است نویسنده‌ای قدرتمند و تحسین برانگیز و قدرت یوسا در نوشتن تا آن جا بالا می‌گیرد که وقتی گابریل گارسیا مارکز رمان نویس آمریکای لاتین «سور بز» نوشته یوسا را می‌خواند که همزمان با یکی از آثار مارکز نامزد دریافت یکی از جوایز معتبر ادبی بودند، می‌گوید «نباید این کار را در مورد من پیر مرد انجام می‌دادند» او در واقع با این عبارت همه تحسین خود را نثار یوسا می‌کند. و اثری را مورد ستایش قرار می‌دهد که بی‌تردید یکی از شاهکارهای ادبیات جهانی است.

